



احمد شاه (وحدت)  
Shah (Vahdat)  
A. E. P. O.  
UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

۴ صفحه : ۲ روپيه، پاکستانی  
۲۰۰ افغانی

## بفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

### توافقات سیاسی:

## آب حیات در حلق فاشیزم کابل

امتیاز دادن های مرفه سیاسی، برای امتیاز گرفتن های نظامی است که در مقطع کنونی به مثابه آب حیات برای هستی فاشیزم کابل تلقی می گردد.

تحركات سیاسی فاشیزم کابل و تشدید تمایلات صلح خواهی تحت پوشش «جبران اشتباهات گذشته» با نیروهای مخالف، اقدام دیگری برای گام پیروزمند برای تنفس و آرایش قوت های نظامی است. در مرحله کنونی طرح «شکست مسالمت آمیز انحصار قدرت»، باز هم هیچگونه صداقتی از جانب حاکمیت فاشیستی وجود ندارد. ممکن است فاشیزم کابل چشم پوشی بر یک بخش قدرت را نسبت به ناپودی مطلق ترجیح دهد؛ ولی مشکل اساسی برای طرح های کنونی سیاسی، موقعت و نقش حساس نیروهای نظامی در کشور است؛ چون ائتلاف سیاسی به مفهوم حضور مشترک در جبهه جنگ نیز محسوب میشود. طرح صلح با حاکمیت مطلقاً نژادگرای کابل، هیچگاهی ممکن نیست که از لحاظ اعتقادی-فکری عملی گردد؛ فاشیزم کابل، صرفاً با زیر بنای تحركات نژادی بود که عامل بزرگترین جنایات انسانی و بروز جنگ اجتماعی در برابر تمام اقشار ملت گردید. معیار های عقیدتی-فکری در بدو تأسیس فاشیزم سیاسی در کابل وجود نداشته است و گرایشات صلح بر همچون معیار ها، صرفاً بهترین سز استفاده را در شرایط کنونی برای این مرکز ضد اعتقادی به وجود می آورد. اتحاد سیاسی با فاشیزم کابل، فاقد هر گونه زمینه اجتماعی شده است. هیچکس و هیچ نیرویی نمیتواند که کشتار و قتل عام اجتماعی شورای نظار را در برابر اقشار ملت فراموش کند؛ و اگر احياناً با چشم پوشی بر خون هزاران طفل و زن و مرد بی گناه، باز هم ائتلاف سیاسی بی به عمل می آید، معضله امتیاز نظامی این ائتلاف چگونه حل خواهد شد؛ روشن است که سرخمی فاشیزم کابل برای امتیاز دادن های سیاسی، صرفاً برای به دست آوردن امتیاز قدرت نظامی مخالفین در جوار جبهه جنگ رویه شکست آن است. ملاحظه می گردد که این امتیاز دادن های موقت سیاسی، برای امتیاز گرفتن های نظامی است که در مقطع کنونی به مثابه آب حیات برای هستی فاشیزم کابل تلقی می گردد. بدون تردید، در فردای ختم بحران نظامی، با موقعت خوب استراتژیك نظامی شورای نظار از لحاظ عقب جبهه اش، باز هم شاهد بزرگترین خیانت نظامی و سیاسی برای جبران امتیاز دادن های سیاسی اش خواهیم بود.

محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در دیدار با هیأت حاکمیت فاشیستی:

## آقای ربانی و مسعود باید دست از حاکمیت انحصاری بردارند

\* اصرار بر تداوم جنگ، مردم وفادار به مسعود را با فاجعه بزرگ روبرو خواهد ساخت.

\* تنها راه حل معضلات کشور، استعفای ربانی و انتقال قدرت به یک مرجع ملی است.

روز دوشنبه ۱۳۷۴/۹/۶ يك هیأت بلند پایه حاکمیت فاشیستی وارد بامیان گردیده و با دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمودند. به گزارش خبر نگار «صفحه نو» از بامیان، در جریان این دیدار هیأت مذکور آماده گی احمدشاه مسعود و ربانی را برای حل مسایل از طریق تفاهم اعلام کرد و گفت که حاکمیت آنها از اتخاذ سیاست های گذشته خود دچار ندامت بوده و خواستار جبران آن است. طبق این گزارش، دبیر کل و اعضای محترم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در پاسخ هیأت مذکور اعلام داشتند که تنها راه حل اساسی معضلات کشور، استعفای ربانی و انتقال قدرت به یک مرجع قابل قبول ملی است و تأکید کردند که آقای ربانی و مسعود باید دست از حاکمیت انحصاری بردارند، در غیر آن مردم وفادار به خویش را با فاجعه بزرگ روبرو خواهند ساخت. خبر نگار ما در ختم گزارش خود علاوه می کند که با برگشت هیأت حاکمیت فاشیستی، حملات هوایی و زمینی شورای نظار بر جبهات شیخ علی از سر گرفته شد که تا کنون نیز جنگ در این ساحه به شدت جریان داشته و مناطق مسکونی مردم در اثر بمباران و راکتباران وحشیانه شورای نظار، دچار خسارات هنگفتی گردیده است.

## از تکفیر تا تقدیس (ص ۳)

محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبر نگار «صفحه نو» ۱۳/۸/۱۳۷۴ - بامیان:

## امید وارم کار به آنجایی نکشد که در آتش جاه طلبی مسعود، همه مردم کابل بسوزد (ص ۲)

من واضحاً برای آقای ربانی گفتم که دشمنی با ملیت ها و احزاب کشور به نفع شما نیست؛ حاکمیت نظامی بالاخره سقوط می کند، اما کاری نکنید که فردا حاصل آن آتشی شود که دامن تمام مردم وفادار به شما را بسوزاند.

محترم دوکتور طالب فاینده، حزب وحدت اسلامی و سخنگری شورای عالی هماهنگی:

## شورای عالی هماهنگی استعفای حضرت صاحب مجددی را نپذیرفته است

\* ایشان یکی از رهبران مورد احترام ملت افغانستان میباشد.

\* روابط دوستانه و صمیمانه، ما با حضرت صاحب و جبهه نجات ادامه خواهد یافت.

\* شورای هماهنگی مسأله استعفا و نقطه نظرات حضرت صاحب را مورد بررسی جدی قرار خواهد داد.

محترم دوکتور طالب فاینده، حزب وحدت اسلامی و سخنگری شورای عالی هماهنگی طی قاسم با خبر نگار «صفحه نو» اعلام استعفای حضرت صاحب مجددی رهبر شورای هماهنگی را از رهبری این شورا مایه تأثر و تأسف اعلام نموده، اظهار داشتند که حضرت صاحب یکی از رهبران مورد احترام ملت افغانستان بوده و در راه رفیع خضومت ها و مشکلات داخلی این کشور نقش برجسته و با اهمیتی را ایفا نموده اند که تاریخ فردای کشور زحمات ایشان را فراموش نخواهد کرد. ایشان افزودند: شورای هماهنگی مسأله استعفا و نقطه نظرات حضرت صاحب را مورد بررسی جدی قرار داده، تلاشهای خویش را برای متقاعد ساختن ایشان به پس گرفتن این استعفا، ادامه خواهد داد. محترم دوکتور طالب به فاینده گی از حزب وحدت اسلامی و شورای هماهنگی، در ختم اظهارات خویش گفتند که روابط ما با حضرت صاحب و جبهه نجات بهر حال و تحت هرگونه شرایطی که باشد، صمیمانه و دوستانه باقی خواهد ماند و همسویی خویش را با ایشان حفظ خواهیم کرد.

### برای مقابله با طالبان،

## مسعود نیروهای ذخیره خود را از پنجشیر به کابل منتقل کرد (ص ۴)

به اتهام سر سپرده گی و جاسوسی به فاشیزم کابل

## دفتر شبکه، تشیع درباری در پشاور، مسعود گردید (ص ۴)

مستقل و جداگانه ایجاد نموده و با آن قرار دادی در حد احداث میدان هوایی یا کار های دیگری از این قبیل به امضاء برساند. طبق نظر مبصرین، از لحاظ شرایط اقلیمی، فعلاً زمستان طولانی در هزاره جات آغاز شده است و معلوم نیست که کار پلان شده ایران، چگونه و با چه امکاناتی به راه می افتد که هم بتواند با شرایط بد و ناگوار زمستان انطباق یابد و هم نتیجه مرثو خود را به اثبات برساند. مبصرین مذکور تلاشها و تبلیغات اخیر مسؤولین جمهوری اسلامی ایران را صرفاً تقلای حساب شده برای نجات فاشیزم کابل از بن بست کنونی دانسته، معتقد اند که اعلام خبر احداث میدان هوایی در هزاره جات صرفاً میتواند در پیوند با سایر موضعگیری های جمهوری اسلامی به نفع حاکمیت انحصاری و رو به زوال ربانی - مسعود قابل درک و توجیه باشد. لازم به یاد آوری است که قبل از فاجعه غرب کابل نیز دولت ایران طی اعلامیه رسمی به حاکمیت فاشیستی هوشدار داده بود که نسبت به قتل عام و کشتار دسته جمعی شیعیان در غرب کابل بی تفاوت نخواهد ماند؛ اما پس از وقوع فاجعه و قتل عام توسط «تشنه به خونان هزاره» حمایت همه جانبه خویش را از حاکمیت فاشیستی ادامه داد.

تأخیراً رسانه های خبری بین المللی گزارشی را از قول آقایان هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران و دوکتور علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه این کشور انتشار داده اند که گویا ایران میخواهد در هزاره جات میدان هوایی بین المللی بی را احداث نماید که بتواند برای پرواز های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

خبر نگار «صفحه نو» ضمن نقل این خبر می نویسد که با وجود اعلام این خبر کلی، تا هنوز روشن نیست که کار این پروژه در کجا و چه زمانی آغاز خواهد شد و دولت ایران چه مقدار بودجه را برای این منظور اختصاص داده است. خبر نگار ما می افزاید: برای فعلاً اکثر مبصرین عقیده دارند که اعلام خبر فوق از سوی مسؤولین بلند پایه جمهوری اسلامی ایران، چراغ سبزی برای جامعه هزاره و نیز جنگ روانی با حلقات سیاسی بین المللی جهت نشان دادن نفوذ خود در این جامعه میباشد. مبصرین میگویند: در شرایطی که هیچگونه قدرت با صلاحیت مرکزی در افغانستان وجود ندارد تا طرف معاهده با کشورهای خارجی قرار گیرد، اعلام خبر احداث میدان هوایی توسط ایران در هزاره جات، يك نوع مداخله صریح و خلاف قواعد پذیرفته شده بین المللی در امور داخلی کشور است؛ زیرا هیچ کشور خارجی حق ندارد که با اقشار اجتماعی يك ملت رابطه



محترم استاد خلیلی، دبیر کُل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» ۱۳/۸/۱۳۷۴ - پامیان:

# امید وارم کار به آنجایی نکشد که در آتش جاه طلبی مسعود، همه مردم کابل بسوزد

من واضعاً برای آقای ربانی گفتم که دشمنی با ملیت ها و احزاب کشور به نفع شما نیست؛ حاکمیت نظامی بالاخره سقوط می کند، اما کاری نکنید که فردا حاصل آن آتشی شود که دامن تمام مردم وفادار به شما را بسوزاند.

من: استاد محترم، ما قبلاً گزارشی داشتیم که در طول دوران جنگ مذاکراتی نیز میان حزب وحدت و شورای نظامی در جریان بوده است؛ اگر چنین مذاکراتی بوده، تا چه سطحی پیش رفته و بالاخره چرا بدون نتیجه مانده اند؟

ج: بلی، این واقعیت دارد که در طول جنگ مذاکراتی میان ما و شورای نظامی یا به اصطلاح، دولت آقای ربانی و مسعود جریان داشته است که البته بیشتر این مذاکرات از طرف خود آنها پیشنهاد می شد و هیأت هایی از کابل به پکاولنگ می آمدند و برمی گشتند. شما به خوبی میدانید که حزب وحدت، هم در زمان حیات رهبر شهید و هم پس از آن، هر اقدام صلحجویانه بی را که بتواند مشکلات و معضلات افغانستان را خاتمه بخشد، صمیمانه استقبال نموده است و جداً هم باور دارد که تفاهات اصولی بر مبنای درک و پذیرش واقعیت های اجتماعی کشور، سالمترین راه برای بیرون رفتن از بن بست کنونی است. ولی متأسفانه که حاکمیت متقلب و انحصار طلب کابل، در طول این مدت نه تنها با سایر احزاب و قدرتهای سیاسی و ملی راه تفاهم و دوستی را پیش نرفته، که بر عکس همواره تلاش کرده است که از هر وسیله ممکن برای نابودی به اصطلاح رقیبان سیاسی خود استفاده کند و حتی کسانی را که به عنوان متحد و دوست نیز در کنار خود داشته است، به نحوی از انحاء رنجیده خاطر ساخته و از خود رانده است. در تمام این مدت جنگ و صلح برای حاکمیت انحصاری و غیر قانونی کابل یک معنا داشته است؛ یعنی از هر دو به عنوان یک تاکتیک و حربه برای مقاصد انحصار طلبانه و خود محورانه. خود سوره جسته است، این حاکمیت تا زمانیکه توانسته است از آخرین توان و امکانات خود برای شکست دادن مخالفینش در میدان نظامی استفاده کرده و زمانیکه از این ناحیه ضربه پذیر گردیده، فوراً چراغ سبز نشان داده و راه تفاهم و گفتگو را باز کرده است. اما تجربه نشان داده است که اینها هیچگاهی در گفتگو های خود صادق نبوده و هیچگاهی به آنچه در مذاکرات تعهد سپرده اند، عمل نکرده اند. در زمان رهبر شهید مقاومت غرب کابل، شما شاهد بودید احمد شاه مسعود چگونه برای کوبیدن و محو نمودن مردم ما استفاده می کرد. پس از فاجعه غرب کابل، این شیوه بازهم ادامه پیدا کرد؛ یعنی زمانیکه مردم ما در بدترین شرایط از لحاظ نظامی و سیاسی قرار داشتند، شورای نظامی با تحریکات و هدستی یکمده از خابینن ملی، به سوی هزاره جات لشکر کشید و تلاش کرد که از پا گرفتن حزب و مردم ما در این نقطه نیز جلوگیری کند. جنگ های شدید توأم با بمباران و راکتباران بی وقفه بر مواضع حزب وحدت و مناطق مسکونی مردم بیدفاع ما، از عمق کینه و خصومت شورای نظامی و همدستانش بر علیه ما حکایت می کرد؛ اما وقتیکه در نزدیکی پکاولنگ جبهه دفاعی مردم ما مستحکم شد و

من: به نظر شما، عواملی که باعث می شوند احمدشاه مسعود و شورای نظامی بر راه حل نظامی یا حفظ حاکمیت از طریق جنگ اصرار کنند، چیست؟

ج: عوامل متعددی وجود دارد که از جمله آنها می توان روحیه و منطق نظامی گزانه و خود بزرگ بینی و خود خواهی بیش از حد او را نام برد. ضمناً تصور غلطی که برای احمدشاه مسعود به وجود آمده و او را در مقابل تمام ملت افغانستان قرار داده است، این است که فکر میکند بعد از دوران حبیب الله بچه سقا، قدرت را به دست آورده و به هر شکلی که هست، باید آن را حفظ کند؛ این بهانه ایست که او با آن جنگ و قربانی شدن همه روزه را برای مردم خود ترجیح می کند. همچنین احمدشاه مسعود چون با همه مخالفین و در مجموع با تمام ملت افغانستان از سر خصومت و عناد معامله کرده است، تصورش این است که در صورت از دست دادن قدرت نظامی و حاکمیت فعلی با انتقام همه ملت مواجه خواهد شد این است که او با معادله مرگ و زنده گی به سوی جنگ نگاه می کند. در کنار این مسایل، نقش عناصری را که فعلاً به عنوان همدستان احمدشاه مسعود عمل می کنند، نیز نباید نادیده گرفت. اینها با تحلیل ها و القانات خود، برای احمدشاه مسعود تصور باطلی را ایجاد می کنند که او باید بر علیه همه از آخرین حد قسارت و کینه توزی خود استفاده کند. این عناصر متأسفانه کسانی اند که خودشان در بین جامعه مربوط خود هیچگونه پایگاهی ندارند و صرفاً با بقای حاکمیت انحصاری و غیر ملی مسعود است که می توانند خود را حفظ کنند.

من: استاد محترم، آیا فکر می کنید که احمدشاه مسعود تا آخرین حد به این راه خرد ادامه خواهد داد و اگر چنین شود، وضعیت شهروندان بیدفاع کابل را چگونه پیش بینی خواهید کرد؟

ج: امید وارم کار به آنجایی نکشد که در آتش جاه طلبی مسعود، همه مردم کابل بسوزد. در غیر آن اگر پافشاری مسعود بر جنگ و عناد با سایر احزاب و ملیتها ادامه پیدا کند، چون او جبهه خود را بالای خانه های مردم کابل بنا کرده است، خطر زیادی رجوع دارد که مردم کابل شدیداً خساره مند شوند. بناً یکی از راههایی را که میتوان برای متقاعد ساختن مسعود به ختم جنگ، مد نظر داشت به پا خاستن مردم کابل و قیام عمومی از درون این شهر است.

من: آیا فکر می کنید تلاشهای سازمان ملل متحد بتواند از این فاجعه جلوگیری کند و بدون جنگ، معضلات را خاتمه بخشد؟

ج: متأسفانه با توجه به سیاستهایی که حاکمیت کنونی کابل پیش گرفته است، این امید خیلی کم است، مگر اینکه سازمان ملل متحد واقعاً برای این منظور فشار جدی وارد کند تا حاکمیت غیر قانونی کابل به عتران عامل اصلی فاجعه ها وادار به ترک قدرت شود.

من: آیا در شرایط کنونی و با توجه به اصرار احمدشاه مسعود بر ادامه جنگ، تشکیل یک ائتلاف و جبهه بی از مخالفین دولت را محتمل می دانید؟

ج: به وجود آمدن چنین ائتلاف و جبهه یک ضرورت حتمی است که نه تنها رژیم غیر قانونی کابل را تحت فشار تعیین کننده قرار میدهد، بلکه برای تشکیل یک حکومت فراگیر و قابل قبول برای همه، انتشار و ملیت های کشور در آینده نیز کمک می کند. من امید وارم که بهر حال، این ضرورت به زودی رفع شود و چنین هماهنگی بی به وجود بیاید.

من: آیا فکر می کنید که مشکلات حزب وحدت و سایر اعضای شورای هماهنگی با «طالبان» به کلی حل شود و آیا «طالبان» به خواسته های این جمع در مورد شهادت رهبر شهید و فاجعه غرب کابل پاسخ مثبت خواهند گفت؟

ج: البته شکی نیست که دسته بی از «طالبان» با تعصب کور و جاهلانه، خود خیانت بزرگ و سنگین را در این رابطه مرتکب شدند که تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد؛ در اثر این خیانت نه تنها مقاومت عادلانه مردم ما در غرب کابل در هم شکست و رهبر مردم ما به شهادت رسید، بلکه پایه های قدرت و حاکمیت انحصاری ربانی-مسعود نیز مستحکم گردید و ملت افغانستان با فاجعه های گهر شکن و رقتباری مواجه شد. حالا هم ماجداً انتظار داریم که عوامل این فاجعه عمیقاً بررسی شده و عاملین جنایت به دادگاه ملت سپرده شوند تا به کیفر خود برسند. پیگیری قضیه از سوی «طالبان» زمینه تفاهات واقعی در میان ملیتها با هم برادر کشور را مساعد خواهد ساخت، در غیر آن ریشه های نفاق و بدبینی باقی مانده و دامنه مشکلات گسترش خواهد یافت.

من: استاد محترم، آیا در این زمینه تا کنون گام عملی بی برداشته شده است؟

ج: «طالبان» در رابطه با رهایی اسیران مردم ما گام هایی را برداشته و تعدادی از اسیران را رها کرده اند، اما در رابطه با فاجعه غرب کابل و شهادت رهبر شهید، صرفاً یکبار از طریق رادیو ابراز تأسف نموده و گفته اند که کمیسیونی را برای تحقیق عوامل و دستگیری مرتکبین جنایت موظف ساخته اند تا پس از شناسایی و تثبیت محاکمه گردند. اما با آنهم مذاکرات نماینده گان ما با آنها جریان دارد و امید واری هایی هست که در زمینه پیشرفت صورت گرفته، هم قضیه شهادت رهبر شهید و رهایی اسرا به نتایجی برسد و هم در رابطه با طرحهای آینده توافقاتی صورت گیرد.

من: استاد محترم، شما مشخصاً در وقوع فاجعه غرب کابل و شهادت رهبر شهید چه دست هایی را دخیل می دانید؟

ج: خدمت عرض شود که این حادثه ناگوار و تلخ که برای ملت افغانستان و مخصوصاً مردم ما به بهای سنگینی تمام شد، دارای ریشه های خیلی پیچیده و عمیقی میباشد که حتی میتوان گفت دست های ملی و بین المللی در آن دخیل بوده اند. اما از عوامل بیرون که بگذریم، ما «طالبان» را مباشر این فاجعه و شهادت استاد میدانیم، اما عامل اصلی شورای نظامی و خابینن اند که زمینه این فاجعه را مساعد ساخته و پس از وقوع آن بزرگترین جفا را در حق مردم ما روا داشته اند. در یک کلام، شورای نظامی و خابینن همدست او قاتل ملت ما و زمینه ساز شهادت رهبر شهید ما بوده و «طالبان» مباشر آن میباشد.

در برابر هجوم دشمن بر خلاف انتظارش مقاومت جدی صورت گرفت، شورای نظامی بازهم راه صلح را در پیش گرفت و هیأتی را برای مذاکره و گفتگو به پکاولنگ فرستاد. ما بر اساس روحیه صلحجویانه و علاقه شدیدی که به ختم جنگ در هزاره جات داشتیم، با نادیده گرفتن تمام خصومت های گذشته، از هیأت استقبال کردیم و در فضای کاملاً صمیمانه با آنها صحبت کردیم و دیدگاههای خود را گفتیم، این مذاکرات سه بار جریان پیدا کرد و هر باری هم هیأت دولتی از پکاولنگ با اطمینان از خاتمه یافتن جنگ بر می گشت، ولی عملاً هیچ تغییری در هیچ عرصه بی پیش نمی آمد و شورای نظامی بر عکس از این وقفه ها برای تقویت جبهه و تغییر و تبدیل فرماندهان جنگی خود استفاده می کرد و نیروی تازه نفس به منطقه می آورد. آخرین باری که بنا بود هیأت بلند پایه بی از سوی «دولت» بیاید، ما سه بار برنامه پذیرایی از آنها را چیده بودیم و آماده گی داشتیم، اما هر بار با یک بهانه عذر می آوردند تا اینکه بالاخره برای ما از سوی برخی از دوستان ما اطلاع رسید که شورای نظامی و شخص احمدشاه مسعود تصمیم گرفته است که مسایل خود را با حزب وحدت از طریق جنگ حل و فصل کند. در گزارش گفته شده بود که اینها در جلسه خود فیصله کرده اند که با «جناح مزاری» در حزب وحدت به هیچ صورت به نتیجه نمی رسیم، این جناح باید نابود شود و بعد از آن دوباره امورات بعدی تصمیم می گیریم؛ همان بود که پیمان مناطق شروع شد و نیروهای تازه نفس شورای نظامی در تمام جهات، جنگ را به قصد نابودی ما شدت بخشیدند. بعد از فتح پامیان و پروان، یک شب بازهم آقای ربانی تبلیغاتی با من تماس گرفت و از گذشته ها اظهار ندامت کرد و گفت که ما حاضریم همه چیز را بجان کنیم و مسایل را از طریق دوستانه حل و فصل نماییم. آقای ربانی بازهم از وحدت و هماهنگی و همسویی حرف می زد. ما هم مسایل خود را مطرح کردیم و گفتیم در این مدت، این ما نبوده ایم که خواستار جنگ و دشمنی بوده باشیم، بلکه شما بوده اید که در هر کجا به خاطر نابودی ما طرح و پلان و توطئه راه انداخته اید. در صورتیکه شما حاضر به تفاهه باشید، ما باز هم استقبال میکنیم و از هیأت شما آماده پذیرایی هستیم. در این صحبت من بسیاری از مسایل ضروری و مهم را برای آقای ربانی تذکر دادم و از او خواستم که در شیوه های کاری خود تجدید نظر کند، من واضعاً برایش گفتم که دشمنی با ملیت ها و احزاب کشور به نفع شما نیست؛ حاکمیت نظامی بالاخره سقوط می کند، اما کاری نکنید که فردا حاصل آن آتشی شود که دامن تمام مردم وفادار به شما را بسوزاند. آقای ربانی در این صحبت ظاهراً با تمام حرف های من موافقت نشان میداد، اما در فردای آن باز هم نیرو های شورای نظامی بر منطقه شیخ علی لشکر کشیده و جنگ را دوباره شدت بخشیدند. این خلاصه تمام داستان ما و شورای نظامی بود.

من: استاد محترم، با تمام این اوضاع، آیا فکر می کنید که بازهم راهی برای مذاکره و حل مسایل از طریق تفاهم موجود باشد، یا اینکه برای ختم این وضعیت به اقدامات نظامی ضرورت است؟

ج: خدمت عرض شود تا جایی که به حزب وحدت مربوط میشود، با تأکید میتوانم بگویم که هیچگاهی و در هیچ شرایطی مخالف مذاکره و حل صلح آمیز مسایل نبوده ایم و نیستیم و جدلاً هم باور داریم که در حل معضلات کشور، تنها نظامی گری مؤثر نیست. اما تجربه بی را که از احمدشاه مسعود و دارو دسته اش داریم، فکر نمی کنم که به ساده گی حاضر شود از قدرت بر مبنای جنگ و زور فاصله بگیرد.

من: استاد محترم شما به عوامل بیرونی بی که در قضیه شهادت رهبر شهید دست داشته اند، اشاره کردید، ما گزارشهایی داشتیم مبنی بر اینکه سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل، قبل از فاجعه با احمدشاه مسعود و ربانی ملاقات کرده و توافق رسمی جمهوری اسلامی را با حمله بر غرب کابل اعلام کرده است و حتی گفته میشود که در این رابطه توافقنامه بی هم امضاء شده، شما در این زمینه چه نظر دارید و آیا این گزارشها را تأیید می کنید؟

ج: البته ما هم از منابع نزدیک به شورای نظامی این خبر را شنیدیم که ساعت ده بجده همان شب رشنه، نماینده گی جمهوری اسلامی ایران موافقت خود را به مسعود اعلام کرد. تعبیر سفیر ایران هم همین بوده که مزاری و این جناحی که متعلق به اوست، جناح مستقلی هستند و دور از سیاست های جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند، ما راضی هستیم که این حمله صورت بگیرد؛ حالا دقیقاً نمیدانم که این منابع میخواستند شایعات را دامن زده و در ذهن مردم ما بیندازند تا میانهم مردم ما را با ایران بیش از پیش خراب سازند، یا اینکه واقعیت داشته است، هنوز برای ما روشن نیست. این مسأله در شورای مرکزی هم مطرح شد و بحث مفصلی روی آن صورت گرفت.

من: استاد محترم، شما در رابطه با سیاست های جمهوری اسلامی پکافندی صحبت کردید، در این اواخر مداخله هلنی جمهوری اسلامی تا حدی پیش رفته است که حتی در عرصه تبلیغات نیز کاملاً از شورای نظامی جانبداری می کنند و همین تبلیغاتی را که عملاً رادیو کابل در خدمت با مخالفین دولت دارد، رادیو مشهد و سایر رسانه های خبری جمهوری اسلامی ایران نیز دارند، شما در این زمینه گفتنی دارید؟

ج: من پیشتر یاد آور شدم که دوستی یا عدم دوستی یک کشور مربوط به خود آن کشور و هیأت رهبری آن است. ما به هیچ وجه این حق را برای خود قابل نیستیم که در امور داخلی یک کشور دخالت کنیم یا برای کسی نظر بدهیم که چه کند یا چه نکند. این کاملاً مربوط به خودشان است. ولی آنچه که مربوط به مصالح و منافع ملت افغانستان میشود، حزب وحدت بارها یاد کرده است و حالاهم تأکید می کند که مداخلات غرض آلود کشورهای خارجی در امور افغانستان به نفع آنها نیست. اما در مورد تبلیغاتی که شما اشاره کردید، مردم ما از این شوره تبلیغی جمهوری اسلامی شدیداً آزرده و حتی منزجر هستند. من فکر میکنم که تبلیغات رادیو مشهد علیه مردم ما و حزب وحدت بی مفهوم است؛ حتی در بسا موارد رادیو مخالفین ما که رادیو شورای نظامی است، به پیروزی و عظمت و فتح پامیان از جانب ما اعتراف می کنند، ولی آنها پیهم تبلیغات

دروغ می کنند تا ذهنیت ها را مخدوش سازند. ما در برابر همچون تبلیغات غرض آلود شدیداً احساس ناراحتی میکنیم و متأسفیم که همچون موضعگیری بی را از سوی جمهوری اسلامی می بینیم. بر علاوه تبلیغات رادیویی، تا جاییکه ما در جریان هستیم، سایر رسانه های خبری جمهوری اسلامی نیز همین پروپاگاندا ها و شایعات را دامن میزنند که در ایران هم مهاجرین ما معترض و ناراحت اند. ما معتقدیم که جمهوری اسلامی ایران، اگر واقعاً مصالح خود را در نظر بگیرد، به اینصورت تحریک آمیز و بدون توجه نباید موضعگیری نموده و مردم پر شهامت و سربلند ما را در موضع مخالف خود قرار دهد. این تبلیغات به جای آنکه ما را ضربه بزند و به جای آنکه مردم ما را از عزم شان منصرف سازد، از یکطرف چون کاملاً بی اساس و دروغیانی است، حیثیت و اعتبار رسانه های خبری جمهوری اسلامی را زیر سوال می برد و از طرف دیگر دشمنی آشکار ایران با یک جمع و یک ملت را گسترده می کند. ما همیشه گفته ایم که در برابر هر اقدام و موضعی که بر خلاف مصالح ملی ملت ما و به مفهوم ترهین به مردم ما باشد، ولو از جانب هر کس و کشوری صورت گیرد، جدلاً می ایستیم و آن را به هیچ وجه نمیپذیریم. از این جهت است که ما به عتران یک بخشی از مردم افغانستان، از مسزولین جمهوری اسلامی ایران جدلاً میخواستیم که هر چه سریع جلو این تبلیغات خود را بگیرند و به این سیاست تبلیغی بی که کاملاً به نفع جریان انحصاری شورای نظامی است، خاتمه بخشند. ما صریحاً اعلام میکنیم که هرگز خواستار آن نیستیم که با کشورهای همسایه خود میانهم، مخالف و دشمنی داشته باشیم، ولی شیوه بی را که جمهوری اسلامی در پیش دارد، نیز به هیچ وجه یک شیوه اسلامی نیست و مردم ما که تا این لحظه در برابر آن سکوت کرده اند، به خاطر پیوند های اسلامی بی است که با مردم ایران دارند و الا ما هم میتوانیم که در برابر همچون تبلیغات یک سری حرکت هایی را راه بیندازیم که در نهایت آن به نفع جمهوری اسلامی تمام نخواهد شد. ما به نماینده گی های خود در خارج از کشور هم گفته ایم که در این رابطه به جمهوری اسلامی ایران تذکر داده شود که از اتخاذ سیاست هایی که مداخله عریان در امور داخلی مردم ماست، جلوگیری کنند. در غیر آن همانطوریکه بارها اعلام کرده ایم بازهم تأکید میکنیم که ما ترهین به ملت باعزت و سربلند خود را هرگز تحمل نخواهیم کرد و اگر وضعیت به شکلی که هست، ادامه پیدا کند، ما هم مجبور خواهیم بود غیر از آنچه که تا کنون بر خورد کرده ایم، برخورد کنیم و آن روز، روزیست که ما نمیخواهیم پیش بیاید.

با تأسف یک عده حلقات خاص و معینی که در ایران هستند، سخت تلاش دارند که با عملکرد های نا سالم خود وضعیت را مخدوش سازند و روابط را به تیره گی بکشانند. این را باید بگویم که اگر هدف جمهوری اسلامی ایران، این باشد که یکمده مردمی را که از دامن مردم ما جدا و به دشمن پیوسته اند، دوباره حیات بدهد و به جامعه ما برگرداند، دچار اشتباه شده است. این افراد، از دید مردم ما منزوی شده و عمر سیاسی شان در میان جامعه ما پایان یافته است. حتی اگر تبلیغات رسانه های جمهوری اسلامی خاصیت دم مسیحایی هم پیدا کند، این عناصر از کسانی نخواهند بود که قابلیت حیات دوباره را داشته باشند. این حرف مردم ماست و هر سیاستی که خواسته باشد، در مقابل آن قرار گیرد، مردم ما در برابرش بیش از پیش با قاطعیت مقابله خواهد کرد و هرگز اجازه نخواهد داد که خابینن ملی بی که دست شان به خون هزاران انسان بی گناه و مظلوم ما آغشته است، با سیاست های غرض آلود تبلیغی دوباره مطرح شوند و داخل جامعه ما گردند.





حزب وحدت اسلامی افغانستان  
Hezbe Wahdat-e-Islami Afghanistan

شماره ۱۱۴  
۱۳۷۴-۲۰۳



# از تکفیر تا تقدیس

ائتلاف نامه سیاسی سیدعالی برای آقای عبدالرشید دوستم، در پهلوی اثبات چهره های دوگانه مذهبی و غیر مذهبی این عناصر، این امر را نیز به اثبات میرساند که خیانت به مذهب، اصل اساسی برای تشیع درباری است.

جانب نرم سران و رهبران هم‌رشدی، سید شمس‌الدین...  
در ادامه بر دوگانگی و تقابل این دو گروه و نقش آن در...  
مشاوره و نقش چندی که آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها داشته‌اند...  
سازمان برای آگاهی‌بخشی در مورد این موضوع، به اطلاع...  
رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رسانده شد. این اقدام...  
نشان‌دهنده تعهد و صداقت این گروه است. ما به امید...  
تغییرات مثبت در افغانستان هستیم.



مجلس شورای اسلامی افغانستان

در طول تاریخ، اشرافیت مذهبی سیدعالی‌ها در جامعه، ما و برده‌گی سیاسی شان در جامعه، دیگران، در چهره‌های کاملاً مذهبی و سیاسی شکل گرفته است؛ و حرکت اجتماعی این «آقایون» در خط سیاسی و مذهبی، جز پنهان نمودن خیانت در برابر جامعه، هزاره، در پوشش شمایل «روحانیت» و «تقوا» چیز دیگری نبوده است.

سیاسی و همکاری صمیمانه و صادقانه نظامی با «تشنه به خونان هزاره» برای نابودی و تجاوز به عفت و حیثیت اجتماعی هزاره صورت گرفته است. مرزهای مذهبی و صداقت شخصیت‌های مذهبی، به نفع قایمات نژادی خورد شده است. سید عالمی، سیدفاضل، سیدمرتضوی، سیدکاظمی، سیدجاوید، سیدانوری، سیدهادی، سیدشریف... محسنی و اکبری، جشن خونریزی هزاره را بر پا کرده‌اند و از پای ضیافت سیاف برای پیروزی بر مقاومت اجتماعی هزاره در غرب کابل، برخاسته‌اند. برای امتیاز طلبی و برتری جویی، «تقوا» را با خون جامعه هزاره کتمان نموده‌اند؛ و اینک نامه مینویسند که اشتباهات رهبر شهید را برای به سر رسانیدن اهداف «معاهده، جبل السراج» پر نمایند؛ چون سیدعالی رهبر شده است و ناممکن است که بدون خواست ایران عمل کند؛ چون با سقوط غرب کابل تضاد و تناقض سیاست مذهبی و سیاست نژادی ایران در کابل حل شده است. اگر دیروز دستور گرفته بودند که مقاومت غرب کابل را به نفع محکم حاکمیت ربانی - مسعود نابود کنند، امروز دستور گرفته‌اند که باز هم برای استحکام حاکمیت نژاد گرای مسعود، برای آقای عبدالرشید دوستم، ائتلاف نامه سیاسی و نظامی بنویسند. بازهم برای جامعه هزاره، فتوای مذهبی ایران را برای حرام خواندن جنگ، به مثابه «پیام ملکوتی» وارد میکنند و برای جامعه ازبک، پیام ائتلاف سیاسی صادر میکنند؛ چون ایران میخواهد که فاشیسم کابل حفظ گردد، و بقای این فاشیسم، برای رقابت و جنگ با جامعه برادران پشتون به نیروی ازبک و هزاره ضرورت دارد!

... و اینک به اثبات رسیده است که قایل این نژاد گرایان به جانب جامعه هزاره و ازبک، صرفاً برای داشتن پشتوانه اجتماعی، برای جنگ در برابر جامعه پشتون است. اینک نقاب‌های مذهبی پایین افتیده‌اند و موضعگیری‌های اجتماعی شان، بازهم مثل فتوای مذهبی شان، برای ریختن خون جامعه هزاره، به نفع فاشیسم کابل، به عمل می‌آید. محکومیت ما را با شعار مفرضانه «حق شیعه‌ها» تثبیت نموده و حاکمیت سیاسی خویش را با ائتلاف نامه‌های سیاسی تقویت مینمایند؛ در طول تاریخ، اشرافیت مذهبی سیدعالی‌ها در جامعه ما و برده‌گی سیاسی شان در جامعه دیگران، در چهره‌های کاملاً مذهبی و سیاسی شکل گرفته است؛ و حرکت اجتماعی این «آقایون» در خط سیاسی و مذهبی، جز پنهان نمودن خیانت در برابر جامعه هزاره، در پوشش شمایل «روحانیت» و «تقوا» چیز دیگری نبوده است.

عبدالرشید دوستم و یا مؤتلفین همسنگرشان (ربانی - مسعود سیاف) دارند، عمل کرده نمیتوانند. چون جامعه هزاره کاملاً آگاه است که اینان نه محرومیت سیاسی داشته‌اند، نه محرومیت اجتماعی و نه هم طرف خصومت سیاست‌های خصمانه اجتماعی حاکمیت‌ها بوده‌اند. وقتی درد محرومیت سیاسی و اجتماعی هزاره از دهن پُر از طلای چهره‌های تشیع درباری بلند میشود، این بدان معنی است که بیزید بر خیزد و ناله حق خواهی خون حسین را بلند کند؛ ولی چهره مذهبی است که اینها را صاحب زمینه اجتماعی در جامعه هزاره میسازد. ائتلاف نامه سیاسی سیدعالی برای آقای عبدالرشید دوستم، در پهلوی اثبات چهره‌های دوگانه مذهبی و غیر مذهبی این عناصر، این امر را نیز به اثبات میرساند که خیانت به مذهب، اصل اساسی برای تشیع درباری است. این آقایان وقتی در چهره مطلقاً مذهبی در جامعه هزاره زنده گی میکنند، بگانه منطق و زیر بنای هستی اجتماعی و سیاسی شان را باید با تفسیرات و تأویلات مذهبی عیار سازند. بزرگترین حمله این «آقایون» بر موضعگیری‌های رهبر شهید این بود که گویا کمونیست‌ها را در آغوش گرفته‌اند. همین اکنون، هر اقدام اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آگاهی‌بخش رهبری سیاسی جامعه هزاره را تحت پوشش «تجمع کمونیستان و ملحدین و مفسدین» میکنند. برده‌گان و مریدان سید حسین عالمی بلخی از فرط تکرار فتوای کفر ارباب شان، شب در خواب نیز «کمونیست» و «مائوئیست» چیخ می‌زنند؛ ولی رهبر شان، با تمام حسن نیت برای آقای عبدالرشید دوستم ائتلاف نامه سیاسی مینویسد!! محکومیت رهبر شهید در دیدگاه مذهبی این «آقایون» این بود که موضعگیری بنیادی خویش را از اول تا آخر، بر بنای صف متحد محرومان سیاسی و اجتماعی کشور حفظ مینمود. در آن زمان «معاهده، جبل السراج» را که با هدف ندای متحد محرومان سیاسی اقشار مختلف ملت به عمل آمده بود، صرفاً با موضعگیری مذهبی محکوم مینمودند و بنام «ائتلاف با کمونیستان» میکوبیدند. ولی اکنون که تشیع درباری و فاشیسم کابل توانستند یکه تاز میدان سیاسی در شهر کوچک کابل گردند، نامه میفرستند که همان معاهده را سر از نو، در اصولیت هایش تطبیق نمایند!! از «معاهده جبل السراج» سه سال و چند ماه میگذرد: فاشیسم مسعود، در هر لحظه این مدت خون ازبک، هزاره، و پشتون را ریخته است. صد‌ها فرزند محروم ازبک سربریده شده، چند قتل عام اجتماعی بر جامعه هزاره تحمیل شده و پاکسازی مفرطی در برابر جامعه پشتون نیز عملی گردیده است. به گفته رهبر شهید بعد از قتل عام افشار، «ثابت شد که باور یکصدوپنجاه ساله ما اشتباه بوده است». با هر قطره خون هزاره، فتوای مذهبی تشیع درباری برای مرتد خواندن و بدنامی جبهه مقاومت اجتماعی غرب کابل و رهبری سیاسی آن یکجا به تاریخ مبارزات اجتماعی و سیاسی ملت افغانستان سپرده شده است. ائتلاف

هر روز که میگذرد و هر حادثه سیاسی بی که به وقوع میپیوندد، چهره‌هایش از پیش افشا میشوند. تقلا تشیع درباری، در هر چهره که باشد، به یقین که آخرین تاکتیک‌ها و حیل‌های آنها را برای حمله بر خط آگاهی‌بخش و مقاومت اجتماعی جامعه هزاره و ملت افغانستان نیز افشا مینماید. خط خیانت و توطئه، با موضعگیری‌های سیاسی و مذهبی خویش، هم حرمت مذهبی خویش را نابود کرد و هم علائق سیاسی خویش را از لحاظ نژادی به اثبات رسانید. زنده گی تحت پوشش مذهب و جنگ نژادی با شعار مذهبی، دو اصل اساسی برای حیات تشیع درباری در جامعه هزاره تلقی میگردند؛ ولی در خارج از این جامعه، این چهره‌های خاین، با ماهیت نژادی خویش موضعگیری مینمایند و قویاً با اهداف سیاسی خیلی‌ها روشن و دقیق به جانب ائتلاف سیاسی با دیگران میروند. آنچه در این میان قابل دقت است، اینست که این عناصر از بی‌ریشه‌ترین پایگاه اجتماعی برخوردارند. رکن اساسی اتصالات سیاسی کنونی را در کشور، زمینه اجتماعی احزاب تشکیل میدهد. کلیه سازمانهای سیاسی موجود، نماینده گی از اجتماع خویش می‌نمایند و با پشتوانه اجتماعی خویش در معادلات نظامی و سیاسی مطرح شده‌اند. بناً در هر ائتلاف سیاسی، بیشتر از آنکه قایل دو حزب مطرح باشد، اتحاد منافع سیاسی و اجتماعی دو قشر ملت مطرح است و درست به همین علت است که سید حسین عالمی بلخی نیز از سرنوشت و منافع اقشار محروم ملت حرف می‌زند!!

سید حسین عالمی بلخی، وقتی در ائتلاف نامه سیاسی خویش با آقای عبدالرشید دوستم، منافع و سرنوشت اجتماعی محرومان را مطرح میکنند، بدون تردید، در ائتلاف خویش با حاکمیت فاشیستی کابل نیز با علائق کاملاً متضاد با شخصیت مذهبی خویش عمل نموده‌اند و صرفاً با سؤ استفاده از محرومیت سیاسی جامعه هزاره است که اینان با موقف اشرافیت کمر شکن مذهبی در این جامعه بادیگران طرف میشوند که گویا نماینده گی سیاسی جامعه هزاره نیز حق مسلم همین «آقایون» است؛ در گرایش‌های تشیع درباری، عامل دیگری نیز وجود دارد که عبارت از برده گی مطلق برای مصلحت‌ها و منافع منطوقی جمهوری اسلامی ایران است، که با تأسف، جامعه هزاره باز هم یگانه قربانی برای این برده گی محسوب میشود؛ چون این عناصر، صرفاً با زمینه اجتماعی جامعه هزاره، آنقدر در حالت تشنج روانی قرار میگیرند که فتوای ارتداد و کفر و بی‌دینی از دهن شان، در چهره‌های دوست و دشمن، بیرون میشود و آنقدر موضع مذهبی شان در جامعه هزاره حاد میشود که اگر دست شان برسد، قتل عام اجتماعی هزاره را با آتش زدن زمین و زمان به سر میرسانند؛ چون صرفاً با مذهب، صاحب زمینه اجتماعی در جامعه هزاره میشوند. در جامعه هزاره اینها هیچگاهی با چهره کاملاً سیاسی بی که در برابر آقای

سرنوشت سیاسی خود را با اراده و تصمیم خود و مطابق مصالح ملی و اجتماعی خود تعیین نماید. بناً برای ما به هیچوجه قابل توجه نیست که چرا رژیم جمهوری اسلامی به اتخاذ چنین سیاست و راه و اسلوبی مبادرت کرده است. این سیاست نه از نگاه مذهبی قابل توجه است و نه از نگاه حسن همجواری و نه هم از نگاه اصول دیپلماسی بین‌المللی. غیر از اینکه بگویم اینچنین مسایل نژادی دخیل بوده و مسؤولین جمهوری اسلامی ایران و کسانی که در رسانه‌های تبلیغی آن موظف هستند، خود را با آقای ربانی و مسعود از یک تیره و یک نژاد می‌گیرند و حالا در عقبش ایستاده‌اند که به هر وسیله ممکن، آن را حفظ کنند. یا ممکن است بازهم مسایل دیگری باشد که بهر حال، مادر جریان آن نیستیم و برای خود قابل توجه نمیدانیم.  
(ادامه دارد)

اسلامی ایران بخواد که با مردم افغانستان و مخصوصاً با حزب وحدت و جامعه متعلق به آن روابط خوب داشته باشد، باید این را قبول کند که مداخلاتش در امور داخلی مردم افغانستان به نفع آن نیست. اگر بخواد که از بنظر طریق دولت آقای ربانی را تقویت کند، فکر میکنم بی نتیجه است. این دولت با خشم و مقابله عمومی ملت مواجه شده و نه تنها ایران، که هیچ قدرتی نمیتواند آن را سر پا نگه دارد. و اگر هم احياناً با اعمال این سیاست‌ها میخواهد مردم ما را از راه مستقلانه و به دور از وابستگی بی که پیش گرفته‌اند، منصرف سازد، بازهم دچار اشتباه است؛ مردم ما برای حفظ عزت و سربلندی خود بود که سه سال تمام مقاومت کرد و خون خود را در این راه ریخت و حالا هم این تصمیم را دارد که

**امیدوارم کار به آنجایی نکشد که...**  
س: استاد محترم، به نظر شما علت این موضعگیری‌های خصمانه جمهوری اسلامی در برابر مردم هزاره افغانستان در چه هست؟ در حالیکه سیاست‌های رسمی و تبلیغی جمهوری اسلامی با شعارهای کاملاً مذهبی صورت می‌گیرد و حزب وحدت هم در رابطه با همین پیوند مذهبی خود با ایران است که همواره کوبیده شده است، اما چرا باز هم جمهوری اسلامی می‌آید و از شورای نظار و آقایان ربانی و مسعود و سیاف که آشکارا دشمن هزاره و شیعه‌اند، حمایت می‌کند، برای آنها اسلحه و امکانات نظامی میفرستد، تانکیست خود را عازم جبهه جنگ علیه حزب وحدت می‌کند، در ایران مهاجرین مردم ما را تحت فشار قرار میدهد تا در جنگ علیه «طالبان» و به خاطر استحکام رژیم ربانی اشتراک کنند و در تبلیغات هم کاملاً جبهه‌گیری دارند؟  
ج: ما هم متحیریم و تا این لحظه به هیچکدام نتیجه مشخصی نرسیده‌ایم. اگر جمهوری



# جنگ میان نیروهای رئیس عیسی خان و سیدحسین انوری چندین کشته و زخمی برجای نهاد

نیروهای رئیس عیسی خان در مقابل بی بند و باری نیروهای متعلق به سیدانوری واکنش نشان دادند. جنگ سه روز دوام کرده و نگرانجام با وساطت مستقیم شورای نظار پایان یافت.

جمعی از تنگداران چاریکار و جبل السراج که پس از شکست در بامیان و پروان، با نیروهای تحت فرمان سیدحسین انوری یکجا شده اند، در منطقه دو آب و کرم علی شیخ علی با نیروهای تحت فرمان رئیس عیسی خان درگیری شدید نمودند که در اثر آن نفرات زیادی از طرفین کشته و یا زخمی گردیدند.

به گزارش خبر نگار نظامی «صفحه نو»، این درگیری که در اثر بی بندوباری های افراد متعلق به سیدانوری در مناطق تحت کنترل رئیس عیسی خان صورت گرفت، از روز سه شنبه ۱۳۷۴/۸/۳۰ الی روز پنجشنبه به شدت ادامه یافت و سرانجام با وساطت مستقیم شورای نظار، آتش بس مشروطی بر قرار گردید که طی آن باید

نیروهای متعلق به سیدانوری تمام منطقه شیخ علی را ترک نمایند. طبق این گزارش، فعلاً در ترکیب یک گروه نظامی متعلق به سیدانوری به جز چند تن اقارب و خریشاوندان نزدیک او، سایر افراد همه از مناطق جبل السراج و چاریکار میباشند که در روزهای اخیر نسبت به ارتباطات رئیس عیسی خان و مردم کرم علی با حزب وحدت سؤزن پیدا کرده اند و به بهانه های مختلف انتقامجویی می کنند. لازم به یاد آوری است که رئیس عیسی خان و نیروهای او از مردم هزاره شیخ علی میباشند که در طول دوران جهاد در ارتباط با اتحاد سیاف قرار داشته اند.

# دستر شبکه، تشیع درباری در پشاور، مسدود گردید

مسئول این شبکه با سایر همداستانش پس از بازجویی، توسط پولیس رد مرز گردیدند.

منابع خبری پاکستان گزارش دادند که بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۴/۹/۷ مقامات پاکستان، دفتر شبکه، تشیع درباری در پشاور را به اتهام سرسپردگی و جاسوسی این شبکه به فاشیزم کابل و دولت ایران، مسدود ساخته و کارمندان آن را رد مرز نمودند. طبق این گزارشها، صارم مسوول شبکه، پیشاپوشا و با سایر همداستانش، مدت سه ساعت تحت بازجویی پولیس پاکستان قرار گرفته و سپس توسط یک مورتدولتی از مرز اخراج گردیدند. لازم به یاد آوری است که اخیراً تبلیقات غرض آلود و نفاق افکنانه، شبکه تشیع درباری به نفع حاکمیت فاشیستی شدت گرفته و آشکارا به نفاق های اجتماعی بر مبنای تعصبات ملیتی و نژادی دامن میزدند. مبصرین سیاسی ابراز عقیده می کنند که مسدود شدن دفتر شبکه، تشیع درباری روی مناسبات دیپلماتیک ایران و پاکستان نیز تأثیر خواهد انداخت.

# دفتر کمیته اویسن در بامیان بازگشایی شد

کمک های عاجل صحنی از طریق این دفتر صورت میگیرد.

## \* هیأت اویسن مورد استقبال گرم مسئولین و مردم شریف بامیان قرار گرفت.

پس از شکست نیروهای فاشیستی و اعاده آرامش کامل در شهر بامیان، دفتر کمیته صحنی اویسن توسط محترم داکتر فرید، نماینده این کمیته بازگشایی و کمک های عاجل خود را در خدمت مردم بامیان قرار داد.

به گزارش خبر نگار «صفحه نو» از بامیان، هیأت کمیته اویسن که به سرپرستی محترم داکتر فرید نماینده این کمیته وارد بامیان گردیده بود، مورد استقبال گرم مسئولین و مردم شریف بامیان قرار گرفت و دفتر طی محفلی که با اشتراک جمعی از مسئولین حزب وحدت اسلامی و مردم شریف بامیان دایر گردیده بود، بازگشایی شد.

طبق این گزارش کمک های عاجل صحنی کمیته اویسن به این دفتر منتقل گردیده و پرسونل آن کار خدماتی خود را عملاً آغاز نموده است.

## برای مقابله با طالبان،

# مسعود نیروهای ذخیره خود را از پنجشیر به کابل منتقل کرد

این نیروی هفت صد نفری در خطوط پلچرخ، تپه، مرغجان و اطراف میدان هوایی خواجهرواش مستقر شدند.

\* پیشروی های اخیر طالبان، و حملات شدید آنان بر شهر کابل، مسعود را سراسیمه ساخته است.

یک منبع نزدیک به وزارت دفاع حاکمیت فاشیستی طی تماس با خبرنگار شهری «صفحه نو» گزارش داد که پس از پیشروی گسترده «طالبان» در خطوط شرق و جنوب شرق و تشدید حملات آنان بر شهر کابل، احمدشاه مسعود، دچار سراسیمه گی شدیدی گردیده و آخرین نیروی ذخیره خود را از پنجشیر وارد کابل ساخته است. طبق این گزارش، نیروی مذکور که شامل هفت صد نفر میباشد، در خطوط پلچرخ، تپه، مرغجان و اطراف میدان هوایی خواجه رواش مستقر گردیدند. گزارش می افزاید که احمدشاه مسعود برای نیروهای خود اعلام نموده است که تا آخرین لحظه و آخرین قدرت خود از شهر کابل دفاع نموده و «طالبان» را اجازه ورود به این شهر نخواهد داد. وی همچنین نیروهای خود را از کمک های مستقیم روسیه، ایران و هند اطمینان داده است.

# هیأت ایرانی با دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی دیدار نمود

\* آقای بروجردی نتایج آخرین مأموریت های صلحجویانه خویش را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید.

روز سه شنبه ۷۴/۹/۷ هیأت عالیرتبه ایرانی به سرپرستی محترم علاؤالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از مزار شریف وارد بامیان گردیده و مورد استقبال دبیر کل و اعضای محترم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از بامیان، آقای بروجردی نتایج آخرین مأموریت های صلحجویانه خویش را در راستای حل قضایای افغانستان، به استحضار دبیر کل و سایر اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی رسانیده و مراتب نگرانی کشور متبوع خویش را از ادامه درگیری ها و اختلاقات داخلی در افغانستان اعلام داشت. طبق این گزارش، درختم صحبت های محترم بروجردی، محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ابراز قدردانی از تلاشهای صلحجویانه هیأت ایرانی، پیرامون دیدگاهها و مواضع حزب وحدت اسلامی توضیح ارائه داشته، جنگ طلبی ها و اصرار بر تداوم حاکمیت انحصاری توسط رژیم فاشیستی کابل راریشه و عامل تمام فاجعه ها قلمداد نمودند.

خبرنگار ما می افزاید که پس از ختم صحبت ها، هیأت ایرانی دو باره عازم مزار شریف گردید.

# کابل به اقتصادی کلابندی کی دی

دقحطی او قیستی گراف خپل اخیری حد ته رسیدلی دی دمامورینو او اجیرانو دمعاشونو او حقوقو دزیاتولو اعلان نی کړی دی ترڅو په دی وسیله جنگ په پیسو وگتی او حکومتی میشری په بی ارزښته افغانیو فعاله وساتی دیوی اطلاق مطابق داوخت په کابل کی دخوراکي اواستهلاکي شیانو بیوی دومره لوړی شوی دی چی دیو دولتی کار کوونکی دیوی میاشتی په معاش صرف یو گیلن پطرو او یو من سکاره اخستل کیدای شی او بس، دا سمه ده چی کابل حکومت دهند او روس سره دیر نیژدی شوی دی او داغفانی پیسو دچاپولو لاری کانتینرونه هره ورځ په کابل کی کوزولی شی خودا وخت داغفانی پیسو ارزښت دومره راغورځیدلی دی

دکابل یو گونډی او فاشیستی حکومت چی دگوتک او توپک په زورنی پسی تنگی کړی دی او دری نیم کاله نی دافغانستان مسلمان ملت په بی مفهرمه او ناروا خونړیو جنگونو کی را ښکیل کړی دی داوخت دنه خلاصیدونکی محاصری او کلابندی سره مخامخ شوی دی.

دکابل حکومت چی خپل تول تبلیغاتی چینلونه نی دپاکستان دحکومت په ضد فعال کړی دی دملگرو ملتو سرمنشی بطروس بطروس غالی ته نی هم یو لیک لیرلی دی او دموخرده سیاسی فشار او اقتصادی کلابندی ته خلاصون دپاره نی خواستونه کړی دی او په عین حال کی نی دپاغالی محمود مستری دسولی دپروگرام سره دفعالیتی همکاری ژمنی یوځلی بیای نوی کړی دی.

چی د بوسو په شان په یو بند یو خورد جنس لاس ته نشی راتلی ځکه نو دکابل لرزیدلی او په ملی او بین المللی فشار کی راگیر حکومت نور د پیسو په زور نشی ټینگیدلی. که څه هم مسعود د خپلو ځواکونو سره یو ځای دکابل واکمنی دلاسه ورکول دمرگ اوژوند سره مترادف بللی دی خو دملت زور دخدای (ج) زور دی نن وی که سبا دغه زور به نی اوبه کیژی اودملت ارادی ته به تسلیمیژی.

هغه وخت چی واکمنو ونشو کولی چی دسمبول په حیث دکابل حکومت دپاره داستادریانی په عوض گوم جهادی دنظر یو شخص نصب کړی یو ځلی بیانی په زور او جنگونو اتکا کړی او دکابل ښاریان نی دجنگی سپر او یرغمل په حیث دتویونو او راکترو خولی ته تړلی دی. اوس اوس چی په کابل باندی تولی تلونکی راتلونکی لاری تړل شوی دی او

بر اساس گزارش رسیده به دستگاه امنیت

# در سه ماه اخیر سی فیصد قوماندانان سابقه دار جبهه فاشیستی فرار کرده و یا کشته شده اند

\* پس از سقوط هرات و چهارآسیاب روحیه، نظامیان جبهه، فاشیستی کاملاً درهم شکسته است

\* شاهدان عینی میگویند که قوماندانان قلمی موترهای گرانقیمت را از کابل خارج کرده اند.

\* مسعود کمیسیون را برای تقویت روحیه نظامیان خود در جبهه، مأموریت داده است.

توظیف شده است که جهت تقویت روحیه نظامیان مستقر در جبهه تلاش کنند. براساس این گزارش، تمام تلاش دستگاه امنیت معطوف آن است که فضای تبلیغی را به گونه بی نکه دارد که افراد نظامی تشویق شوند در بدل اخذ پول های هنگفت، در جبهه باقی بمانند.

گزارش های رسیده به دستگاه امنیت فاشیستی حاکی از آن است که پس از سقوط هرات و چهار آسیاب روحیه، قوماندانان و افراد سابقه دار جبهه فاشیستی کاملاً درهم شکسته و اکثریت آنان با استفاده از اولین فرصت شهرکابل را به قصد فرار ونجات جان خود ترک میگویند.

خبرنگار ما به نقل از شاهدان عینی می نویسد که در طول این سه ماه موترهای گرانقیمت که اکثراً مربوط به وابسته گان شورای نظار بودند، در شهر کابل گشت وگذار ندارند و احتمال عمومی بر آن است که این موترها از کابل خارج ساخته شده اند.

دستگاه امنیت فاشیستی می نویسد: در طول سه ماه اخیر سی فیصد از قوماندانان سابقه دار جبهه فاشیستی یا فرار کرده و یا کشته شده اند و فعلاً کمیسیون از سوی احمدشاه مسعود